کتاب شناسی و نقد منابع در *بحارالأنوار* علامه مجلسی

رسول جعفریان[1]
قاسم قریب[2]

پژوهش‌نامه
تاریخ تشیّع
سال اول، شماره ۱،
بهار ۱۳۹۶

چکیده

علامه مجلسی، برای تألیف جامع حدیثی خود، بحارالأنوار، از کتاب‌های روایی متنوعی بهره برده است. وی از همین رو پنج فصل مقدمه بحارالأنوار را به معرفی کامل منابع خویش، اختصاص داده است. کتاب‌شناسی و نقد منابع در بحارالأنوار شامل دو محور اصلی است: تعیین نویسنده واقعی برخی منابع کهن و بررسی اِسناد بعضی کتاب‌ها. در محور نخست، مجلسی بر مبنای سند روایات، سبک و محتوای نگارش کتاب و نسخه‌های خطی قدیمی به اظهار نظر درباره مؤلف کتاب‌ها پرداخته است. تبحر علامه مجلسی در زمینه کتاب‌شناسی، سبب شده است تا به اشتباهات رایج کتاب-شناسانه در زمان خویش اشاره و نظرات نادرست را تصحیح نماید. در بخش بررسی اسناد کتاب‌های روایی، نقد و بررسی علامه مجلسی فقط متوجه مؤلفان کتاب‌هاست و شامل راویان روایات درون کتاب‌ها نمی‌شود.

کلیدواژه‌ها

بحارالأنوار، علامه مجلسی، کتاب‌شناسی، نقد منابع روایی.

---

۱ . رسول جعفریان، استاد گروه تاریخ دانشگاه تهران. ras.jafarian@gmail.com
۲. دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسدول).
ghasem.gharib@mail.um.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۵/۲۱، تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۷/۱

پژوهش‌نامه
تاریخ تشیّع
سال اول، شماره ۱،
بهار ۱۳۹۶

مقدّمه

علامه مجلسی (۱۱۱۰-۱۰۳۷)، از مشهورترین عالمان شیعه، آثار مکتوب فراوانی به دو زبان عربی و فارسی دارد. مهم‌ترین و حجیم‌ترین اثر وی مجموعه بحارالانوار است که دایرة المعارفی حدیثی در موضوعات گوناگون محسوب می‌شود. بحارالانوار با کتاب العقل و العلم والجهل، آغاز شده سپس به صورت بسیار مفصل در چندین مجلد به طرح مسائل اصول عقاید چون توحید، عدل و معاد از منظر احادیث شیعی پرداخته است. تألیف بحارالانوار از سال ۱۰۷۰ تا ۱۰۹۱ به طول انجامید ه‌است. علامه مجلسی در ابتدا قصد داشت آن را در ۲۵ جلد تدوین نماید اما با حجیم شدن جلد ۲۵ آن را به دو جلد تبدیل کرد و بحارالانوار ۲٦ جلدی شد (طارمی، ۱٤۱).

معرفی و بررسی منابع برای علامه مجلسی اهمیت شایانی داشته تا آن جا که وی مقدمه بحارالانوار را به همین مقوله اختصاص داده است. مقدمه بحارالانوار شامل پنج فصل و بیش از ۷۰ صفحه است و علامه مجلسی، در فصل اول مقدمه، ابتدا فهرست‌وار سپس با تفصیل، منابع و مصادر جامع حدیثی خویش را شناسانده است. او منابع بحارالانوار را به دو گونه کتاب‌های درون مذهبی (شیعه) و کتاب‌های مخالفان (اهل سنت) تقسیم کرده است (مجلسی، ۲۴/۱). بیشترینه منابع مورد استفاده مجلسی برای تدوین ابواب حدیثی بحارالانوار شامل گونه اول می‌شود و نویسنده اذعان داشته که از کتاب‌های مخالفان، فقط برای تصحیح معانی الفاظ روایات و تعیین معانی آن‌ها بهره برده است (همو). یکی از پژوهشگران، این تقسیم‌بندی علامه مجلسی را دسته بندی «منابع متن» و « منابع شرح» نامگذاری کرده است، زیرا دسته اوّل منابع برای تدوین بدنه اصلی مطالب بحار الأنوار و دسته دوم برای شرح و توضیح واژه‌های اخبار و احادیث، مورد استفاده قرار گرفته است (طارمی، ١٤٦). مجلسی به دلیل عدم استفاده از کتاب‌های روایی اهل سنت در متن بحارالانوار به نقد و بررسی آن‌ها اهتمامی نداشته و تلاش کتاب‌شناسانه وی فقط معطوف به معرفی و نقد منابع شیعی است.

توجه ویژه علامه مجلسی به کتاب‌شناسی و نقد و بررسی منابعی که در بحارالانوار مورد استفاده قرار گرفتند، موجب تمایز مقدمه این جامع حدیثی در میان سایر جوامع حدیثی شیعی شده است. معمولا در مقدمه جوامع حدیثی که به خطبة الکتاب مشهور است، نویسنده بیشتر به بیان اهداف و فواید کتابش می‌پردازد. اما مجلسی در مقدمه بحارالانوار به میزان پیش‌گفته، بسنده نکرد و تلاش کرد تا منابع کتاب خود را به مخاطبانش بشناساند. وی در فصل دوم مقدمه بحارالانوار، به اعتبارسنجی کتاب‌هایی می‌پردازد که در فصل اول معرفی کرده است. وی با هدف کوتاه کردن نام‌های کتاب‌ها در متن بحارالانوار، در فصل سوم مقدمه، نشانه‌های اختصاری منابع

متن را نوشته است. علامه مجلسی با همین هدف، فصل چهارم را به مختصر نمودن سندهای روایات کتاب‌های مختلف اختصاص داده است. فصل پایانی و پنجم مقدمه، مربوط به نکات مهمی است که مؤلفان منابع بحارالانوار در مقدمه کتاب‌هایشان به آنها اشاره کرده‌اند.

پژوهش مستقلی درباره شیوه نقد منابع و کتاب شناسی علامه مجلسی در دست نیست و در تحقیقات عمومی پیرامون وی نیز به این موضوع پرداخته نشده است. پژوهش حاضر با هدف شناساندن تلاش‌های کتاب‌شناسانه علامه مجلسی به‌نگارش درآمده‌است. از میان آثار متعدد علامه مجلسی، دیدگاه‌های فنی وی درباره کتاب‌شناسی و ارزیابی محتوای منابع روایی در مهم ترین اثر او، بحارالانوار، به‌ویژه در مقدمه این کتاب بازتاب یافته‌است. بنابراین، تمرکز این نوشتار بر تحلیل و دسته‌بندی شیوه‌های علامه مجلسی در زمینه کتاب‌شناسی، مبتنی بر مقدمه بحارالانوار خواهد بود. پرسش اصلی پژوهش، چگونگی مواجهه علامه مجلسی با مقوله کتاب‌شناسی و شیوه وی در نقد اعتبار منابع و بررسی نویسندگان اصلی کتاب‌های مجهول المؤلف است. بر این اساس، مقاله پیش رو با رویکرد توصیفی به نگارش درآمده و در پی شناخت روش علامه مجلسی در نقد منابع است و شامل نقد و بررسی نظرات علامه مجلسی و صحت و سقم آنان نیست.

۱- شیوه های تعیین نویسنده کتاب‌های مجهول المؤلف

یکی از دشواری‌های اهل علم از گذشته تا امروز، مواجهه با کتاب‌هایی است که دارای اطلاعات گرانبهایی در زمینه‌های گوناگون هستند اما هویت مؤلفان آن‌ها ناشناخته است. ازآن‌جا که در فرهنگ اسلامی، شناخت مؤلف کتاب، تأثیر بسزایی در قضاوت نسبت به محتوا و مطالب کتاب دارد؛ تشخیص مؤلف حقیقی کتاب، همواره برای جامعه علمی مسلمانان، اهمیت فراوان داشته‌است. به همین دلیل بخشی از توان دانشمندان مسلمان، صرف شناسایی مؤلفان کتاب‌ها می‌شد و کسانی که در زمینه کتاب‌شناسی، تبحر می‌یافتند نظراتشان همواره مورد توجه قرار می‌گرفت. در این میان، تلاش برای شناسایی کتاب‌هایی با نویسندگانی ناشناس از اهمیت فزون‌تری برخوردار بود. گویا تعدادی از منابع بحارالانوار هم یا دارای نویسنده‌ای با هویت مشخص نبودند و یا منسوب به چند تن بودند. مجلسی در مقدمه بحارالانوار به این گونه منابع، توجه ویژه‌ای نشان داده و دیدگاه‌هایی را مطرح نموده که با نظرات معاصرانش متفاوت است. برای نمونه در زمان علامه مجلسی، برخی کتاب دعائم الاسلام قاضی نعمان را به شیخ صدوق منتسب می‌دانستند. علامه مجلسی در دو موضع از مقدمه بحارالانوار به این اشتباه کتاب‌شناختی اشاره می‌کند (مجلسی، ۲۲/۱، ۳۸).

گرچه علامه مجلسی در فصل اول مقدمه، انتساب برخی کتاب‌ها را به کسانی که مؤلف آنان معرفی شده‌اند؛ رد کرده است اما این سلب انتساب از منظر وی به معنای تردید در اصالت یا

اعتبار آن منابع نیست. وی پس از نام بردن از کتاب قرب‌الأسناد، تألیف محمد بن عبدالله حمیری، می‌نویسد به گمان من این کتاب تألیف خود وی نیست بلکه از پدر اوست و محمد فقط راوی کتاب پدرش بوده است (همو، ۷/۱).

۱-۱- بر اساس اسناد احادیث درون کتاب

علامه مجلسی در زمره عالمان کتابشناسی است که از راه‌های مختلفی درباره تعیین مؤلف کتاب‌ها و صحت انتساب کتاب‌ها به مؤلفان، اظهار نظر کرده‌است. یکی از شیوه‌های مبتکرانه وی داوری کتاب‌شناسانه بر اساس سند احادیث نقل‌شده در کتاب‌هاست. طریق روایتی که حدیث را از راوی یا ناقل به گوینده اصلی منتقل می‌نماید سند حدیث نام دارد (فضلی، ٦٩). هرگاه در سند یک حدیث افرادی حضور داشته باشند که زمان حیات آنان از متأخر از زمان نویسنده اصلی کتاب باشد به صورت طبیعی می‌توان در صحت انتساب آن کتاب به نویسنده مزبور تردید نمود، زیرا وی منطقا نمی‌توانسته‌است از پسینیان خود حدیث نقل کند.

پژوهش‌نامه تاریخ تشیّع
سال اول، شماره ۱، بهار ۱۳۹۶

علامه مجلسی با دقت نظر در سند روایات برخی از کتاب‌ها، تردید خود را نسبت‌به صحت انتساب آنها به برخی از مؤلفان اعلام کرده است. او می‌نویسد گرچه کتاب عیون المعجزات به سید مرتضی نسبت داده می‌شود اما برای من ثابت‌شده نیست. علامه مجلسی احتمال داده عیون المعجزات از تألیفات محدثان قدیم‌تر باشد، زیرا در این کتاب از محمدبن هشام و محمدبن علی بن ابراهیم روایت شده است (مجلسی، ۱۱/۱).

علامه مجلسی با خطا دانستن انتساب کتاب مصباح الانوار فی مناقب امام الابرار به شیخ طوسی آن را تألیف هاشم بن محمد دانسته است. دلیل وی این است که در این کتاب روایات زیادی از شاذان بن جبرئیل نقل شده درحالی که این شخص از نظر زمانی متأخر از شیخ طوسی است (همو، ۲۱/۱).

گویا در زمان علامه مجلسی، گروهی کتاب جامع الأخبار را به شیخ صدوق نسبت می‌داده‌اند، اما علامه مجلسی با رد چنین ادعایی، معتقد است این کتاب نمی‌تواند از آن صدوق باشد؛ زیرا روایات آن با پنج واسطه از شیخ صدوق نقل شده است. وی احتمال می‌دهد که این کتاب یا متعلق به مؤلف مکارم الاخلاق یا تألیف علی بن سعد خیاط است. علامه مجلسی برای احتمال اول خود دلیلی نیاورده اما برای مستند نمودن احتمال دوم خویش به الفهرست منتجب‌الدین ارجاع داده‌است. منتجب‌الدین در معرفی علی بن ابی سعد خیاط، کتابی به نام الجامع فی الأخبار را به وی نسبت داده‌است (منتجب الدین رازی، ۸۳) و علامه مجلسی احتمال می‌دهد که منظور منتجب‌الدین همین کتاب جامع الأخبار باشد (مجلسی، ١٤/١). علامه مجلسی احتمال سومی را

نیز مطرح کرده که حاصل استنباط خود وی از متن کتاب است. وی از برخی عبارات کتاب به این نتیجه رسیده است که کتاب می‌تواند تألیف محمد بن محمد شعیری باشد (همانجا).

۲-۱- بر اساس سبک و محتوای روایات کتاب

گاهی داوری علامه مجلسی در مورد نویسندگان اصلی کتاب‌ها، بر محتوای آنها و آشنایی با سبک نگارش عالمان کهن استوار است. معمولا صاحبان کتاب‌های حدیثی در چینش ابواب و نقل روایت، شیوه‌هایی مخصوص خود داشته‌اند، به‌گونه‌ای‌که در همان حال که از قواعد کلی اصول الحدیث تبعیت می‌کردند، اسلوب نگارشی خاص خود را در متن اعمال می‌کردند. مجلسی بر آن است که از برخی عبارات کتاب الزهد حسین بن سعید اهوازی آشکار می‌شود که حسین بن سعید، کتاب النوادر احمد بن محمد بن عیسی قمی را در کتابش نقل کرده است (همو، ١٦/١). علامه مجلسی چنین شیوه‌ای را برای برخی کتاب‌هایی هم که نویسندگان آنها کاملا مجهول بوده‌اند اتخاذ کرده است. او در معرفی کتاب التمحیص می‌نویسد این کتاب از برخی علمای قدیمی‌است، اما بر اساس قراینی می‌توان فهمید که تألیف محمد بن همام است (همو، ١٧/١).

در دیدگاه‌های علامه مجلسی احتیاط کتاب‌شناسانه نیز قابل مشاهده است. وی در مواضعی بر اساس شیوه بررسی سبک و محتوای کتاب، فقط انتساب کتاب به نویسنده‌ای خاص را رد کرده اما درباره مؤلف آن گمانه‌زنی نکرده است؛ نمونه آن اظهار نظر درباره کتاب الروضة فی المعجزات و الفضائل است که مجلسی با ایجاد تردید در انتساب این کتاب به شیخ صدوق، بدون اشاره به نام نویسنده ای معین، کتاب الروضة را تألیف یکی از عالمان شیعه در حدود سال ٦٥٠ می‌داند (همو، ١٤/١).[١]

۳-۱- بر اساس نسخه های خطی قدیمی

در میان منابع بحارالانوار علامه مجلسی، کتاب‌هایی هستند که از روی اِسناد آنها نمی‌توان حکم قاطعی درباره نویسنده آنها داد و کتاب‌شناسان گذشته نیز به آنهااشاره نکرده‌اند. در چنین مواردی علامه مجلسی با استناد به نسخه‌های گوناگون کتاب به اظهار نظر در مورد نویسنده می‌پردازد. کتاب کنز جامع الفوائد یکی از این گونه کتاب‌هاست که نگارش آن به شرف الدین علی استرآبادی (د ۹۶۵) نسبت داده می‌شود اما مجلسی به این مطلب به دیده تردید نگریسته و بر اساس برخی نسخه‌های این کتاب، مؤلف آن را سیف بن علی بن منصور (د ۹۳۷) دانسته‌است (همو ۱۳/۱).

۱. اشتباه در انتساب کتاب الروضة به صدوق، پس از مجلسی تا دوره معاصر نیز رواج داشته‌است، چنان که نوری طبرسی نیز چنین انتسابی را پذیرفته‌است (نوری طبرسی، ۳۳/۳).

کتاب کنز جامع الفوائد، خلاصه‌ای از کتاب تأویل الآیات الظاهرة فی احکام العترة الطاهرة تألیف شرف‌الدین علی استرآبادی از شاگردان شیخ کرکی (د۹۴۰) است (آقابزرگ تهرانی، ۳۰٤/۳).

ممارست پژوهنده در شناخت محتوای نسخه‌های خطی، رفته‌رفته وی را در کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی به فردی صاحب‌نظر و حتی صاحب‌سبک تبدیل می‌نماید. کاوش‌های فراوان علامه مجلسی در نسخه‌های مختلف کتاب‌ها وی را به کتاب‌شناس و نسخه‌شناسی حرفه‌ای تبدیل کرده است، به‌گونه‌ای‌که توانایی داشته قاطعانه در مورد صحت ادعاهای برخی نسخه‌ها اظهار نظر نماید. وی می‌نویسد: "جزء اول کتاب عیون اخبارالرضا را از نسخه‌ای قدیمی استنساخ کرده که در آن نوشته بود نسخه به خط صدوق است اما من گمان می‌کنم که اصل کتاب به خط صدوق نیست و فقط تصحیحاتش از آن صدوق است" (مجلسی، ٢٦/١).

۴-۱- بر اساس ارجاع به دیدگاه عالمان پیشین

علامه مجلسی برای رد انتساب برخی کتاب‌ها به برخی مؤلفان تنها به استنباط شخصی بسنده نکرده و نظر خود را با ارجاع به فهرست‌های کهن شیعی و کتاب‌های معتبر قدیمی، مستند کرده است. فهرست‌نگاری در میان شیعه سابقه‌ای طولانی دارد و برخی عالمان شیعی به ثبت نام مؤلفان کتاب‌های روایی همت گمارده‌اند. فهرست‌نگاری شیعه در آغاز شاخه‌ای از علم رجال محسوب می‌شده، زیرا محوریت این تألیفات، معرفی صاحبان کتاب‌های حدیثی و سپس اشاره به نام کتاب‌های آنان بوده است. فهرست شیخ طوسی از مهم ترین کتاب‌های فهرست‌نگاری شیعه است که در آن زندگی‌نامه ۹۱۲ شخصیت و بیش از دو هزار عنوان کتاب معرفی شده است (نوری، ۸۸). اسماء مشایخ الشیعه و مصنفیهم معروف به اثر مکمل فهرست شیخ طوسی است که در آن به بیش از ۵۰۰ تن از مؤلفان شیعی و کتاب‌های آنان پرداخته شده که پس از عصر شیخ طوسی زیسته‌اند (ربانی، ۷۳).

مجلسی در مباحث کتاب‌شناسی به کتاب های فهرست‌نگاری شیعی توجه نشان داده است. وی کتاب روضة الواعظین و تبصرة المتعظین تألیف محمد بن علی فارسی معروف به فتّال نیشابوری را معرفی و یادآوری کرده است که گروهی آن را به شیخ مفید نسبت داده‌اند. مجلسی برای غیرقابل قبول بودن ادعای این گروه به الفهرست منتجب الدین، المناقب ابن شهرآشوب و اجازات علامه حلی استناد کرده است (مجلسی، ۸/۱). شهرت برخی از مؤلفان اهل‌سنت نیز سبب شده تا برخی کتاب‌های شیعه به دلیل شباهت اسم نویسنده به آنان منسوب شود. کتاب دلائل الامامة تألیف محمد بن جریر بن رستم طبری از این‌گونه کتاب‌هاست، زیرا به محمد بن جریر، مورخ شهیر، نسبت داده شده است. علامه مجلسی با استناد به الفهرست شیخ طوسی، این دو طبری را متمایز از هم دانسته است (همو، ٤٠/١).

به‌نظر می‌رسد هنگامی که استنباط شخصی علامه مجلسی در زمینه شناسایی نویسندگان کتاب‌های مجهول المؤلف راه به جایی نمی‌برده، نظرات کتاب‌شناسان پیشین را لحاظ می‌کرده است. سید بن طاوس یکی از مشاهیر کتاب‌شناس شیعه است که در زمینه دسترسی به کتاب‌های کهن پیش از زمان خود، فرد کم نظیری بوده است (کلبرگ، ۱۳). مجلسی در بسیاری از مواضع کتاب‌شناختی به آراء وی استناد نموده و رأی او را حجت شمرده است؛ برای نمونه در مورد کتاب کبیر فی الزیارات می‌نویسد آن چنان که از آثار سید بن طاوس برمی‌آید تألیف محمد بن مشهدی است و من با عنوان مزار الکبیر از آن یاد کرده‌ام (مجلسی، ۱۸/۱).

نسبت دادن کتاب مکارم الأخلاق به فضل بن حسن طبرسی، صاحب تفسیر معروف مجمع البیان در زمان علامه مجلسی، امری عادی بوده است. علامه مجلسی با اشاره به این اشتباه رایج، این کتاب را تألیف فرزند وی حسن بن فضل طبرسی دانسته است. وی معتقد است بنا به تصریح حسن بن فضل طبرسی در کتاب مشکاة الأنوار و توضیحات سید بن طاوس در کتاب‌های دروع الواقیه و نیز بلدالأمین، کتاب مکارم الاخلاق از آن فرزند مؤلف تفسیر مجمع البیان است (همو، ۹/۱). نیز شهرت و اهمیت تفسیر مجمع البیان زمینه نظر انتساب کتاب الإحتجاج را به فضل بن حسن طبرسی فراهم کرده است. علامه مجلسی با استناد به نظر ابن شهرآشوب در کتاب معالم العلماء و سید بن طاوس در کتاب کشف المحجه، کتاب الإحتجاج را تألیف احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی می داند (همانجا).

پژوهش‌نامه تاریخ تشیّع
سال اول، شماره ۱، بهار ۱۳۹۶

اهمیت دادن مجلسی به نظر کتاب‌شناسان خبره‌ای چون سید بن طاوس تا آنجاست که گاهی آن را بر اسناد روایات درون کتاب‌ها ترجیح می‌دهد. مجلسی خاطرنشان می‌کند که کتاب قصص الأنبیاء بر اساس اسناد کتاب و آن‌چه شهرت یافته تألیف قطب‌الدین سعید بن هبة الله راوندی است، ولی بعید نیست که تألیف فضل الله بن علی راوندی باشد. دلیل علامه مجلسی مطالبی است که در اسناد سید بن طاوس در کتاب فرج المهموم و کتاب فلاح السائل آمده است. البته از نظر علامه مجلسی تشخیص دادن نویسنده اصلی کتاب قصص الأنبیاء چندان اهمیتی ندارد، زیرا موضوع این کتاب منحصر به داستان‌هاست و بخش زیادی از آن نیز رونویسی از کتاب‌های صدوق است (همو، ۱۲/۱).

در بعضی مسائل کتاب‌شناختی که عالمان و کتاب‌شناسان بزرگ شیعه در آن اختلاف نظر دارند علامه مجلسی کوشیده تا هم حالت بی‌طرفی خود را حفظ کند و هم دیدگاهش را با نزدیک-شدن به نظر یکی از پیشینیان، بیان نماید. درباره کتاب الرجال ابن غضائری همواره این بحث مطرح بوده که آیا این کتاب تألیف حسین بن عبیدالله غضائری است یا نوشته فرزند وی. علامه مجلسی ابتدا به نظر شهید شهید ثانی اشاره کرده که وی کتاب الرجال را از حسین بن عبیدالله غضائری می‌داند؛ سپس می‌نویسد عبدالله تستری از رجال سید بن طاوس دریافته که این کتاب از فرزند او احمد بن حسین بن عبیدالله است که شاید این نظر قوی‌تر باشد (همو، ۲۲/۱).

۵-۱- ملاحظاتی درباره کتاب‌شناسی مجلسی

با وجود ژرف‌اندیشی علامه مجلسی در مسائل کتاب‌شناختی، برخی از نظرهای وی نیازمند بازنگری جدی است؛ برای نمونه وی کتاب إستدراک را در شمار کتاب های شهید اول محسوب کرده است (همو، ۱۰/۱) و نوع ارجاع وی در متن بحارالانوار نشان می‌دهد که او گمان می‌کرده که شیخ شمس الدین جُبَعی این کتاب را از روی اصل کتاب شهید اول نوشته است. ازآنجاکه کتاب استدراک با دست‌نوشته شیخ شمس الدین جبعی باقی ماند و به دست علمای دوره‌های بعد رسید، برخی گمان کردند کتاب استدراک تألیف خود شهید اول بوده است در حالی که شهید اول این کتاب را از نسخه‌های قدیمی‌تر استنساخ کرده بود. بنا به نظر آقابزرگ تهرانی، إستدراک از کتاب‌های قدیم شیعه است که مؤلف آن معاصر شیخ مفید بوده، زیرا در این کتاب از ابن قولویه روایت وجود دارد. شهید اول این کتاب را بازنویسی کرد و نسخه‌ای که امروز برجا مانده دست‌نوشته شمس‌الدین جبعی است (آقابزرگ تهرانی، ۲۲/۲).[۱] البته علامه مجلسی در فصل دوم مقدمه که به اعتبار سنجی منابع بحارالانوار اختصاص یافته است تأکید دارد که به جز کتاب إستدراک به اصل سایر کتاب های شهید اول، دسترسی داشته و ناچارا إستدراک را از روی خط جبعی نقل کرده است (مجلسی، ۲۹/۱). افندی در ریاض العلماء و سبحانی در موسوعه طبقات الفقهاء آثار مهم فقهی و غیر فقهی شهید اول را نام برده‌اند، اما نام استدراک در فهرست آنان نیست (افندی، ۱۸۵/۵؛ اللجنة العلمیه فی مؤسسة الامام الصادق، ۲۳٦/۸).

کتاب الإستغاثة فی بدع الثلاثة تألیف علی بن احمد کوفی (افندی، ۳۵۵/۳) درگذشته سال ۳۵۲ است، اما معلوم نیست چرا علامه مجلسی این کتاب را به ابن میثم بحرانی صاحب شرح نهج البلاغه نسبت داده است (مجلسی، ۱۹/۱). به نظر می‌رسد این تلقی، منحصر به مجلسی نبوده و چنین تصوری در بین محققان سایر عالمان شیعه نیز وجود داشته است، چنان که شیخ یوسف بحرانی هم در کتاب کشکول، مؤلف کتاب الإستغاثه را ابن میثم تلقی می‌کرده است (آقابزرگ تهرانی، ۲۸/۲).

علامه مجلسی در فصل اول مقدمه بحارالانوار، هر دو کتاب مروج الذهب و اثبات الوصیة را تألیف مسعودی دانسته (مجلسی، ۱۸/۱) و در فصل دوم نیز با استناد به نظر نجاشی در الفهرست، مسعودی را از راویان شیعه و صاحب اثبات الوصیة معرفی کرده است (همو، ۳٦/۱). این نظر، منحصر به علامه مجلسی نیست و از دیرباز بسیاری از محققان و کتاب‌شناسان شیعه، کتاب اثبات الوصیة را به ابوالحسن مسعودی نویسنده مروج الذهب نسبت داده‌اند. جواد علی، عرب‌شناس برجسته عراقی، کتاب اثبات الوصیة را متعلق به مسعودی نمی‌داند، زیرا طرق روایات و رجال این کتاب در مروج الذهب و نیز التنبیه والإشرافِ مسعودی موجود نیست (جواد علی، ۱۵).[۲]

[۱]. برای مشاهده روایتی در إستدراک که بدون واسطه از ابن قولویه نقل شده است، نک. مجلسی، ۲۱۳/۵۰.

۲. در برخی پژوهش‌های معاصر در شیعه‌بودن مسعودی نیز تردید و احتمال معتزلی‌بودن وی مطرح شده‌است (المدید السویکت، ۷۱-۷۸).

علامه مجلسی در مقدمه بحارالانوار بیش از ۳۰۰ مصدر شیعی مورد استفاده خویش را فهرست کرده و به معرفی اجمالی برخی از آنها همت گمارده‌است. او بر اساس روش‌های کتاب-شناسانه خویش، در مجموع به ۱۵ اشتباه کتاب‌شناختی رایج در زمان خویش اشاره کرده و مؤلفان اصلی کتاب‌های مورد بحث را تعیین کرده است. جدول زیر برای دسترسی بهتر و سریع‌تر به نکات کتاب‌شناختی علامه مجلسی و تصحیحاتی که وی درباره نویسندگان برخی کتاب‌ها انجام داده است مفید خواهد بود.

ردیف	نام کتاب	نظر رایج درباره نویسنده کتاب	نظر علامه مجلسی درباره نویسنده کتاب	دلایل و مستندات علامه مجلسی
۱	الإحتجاج علی اهل اللجاج	فضل بن حسن طبرسی	احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی	استناد به نظر ابن طاوس
۲	التمحیص	ابن شعبه حرانی	محمد بن همام اسکافی	محتوا و سبک نگارش کتاب
۳	جامع الأخبار	شیخ صدوق	علی بن سعد خیاط	استناد به فهرست منتجب الدین
۴	دعائم الإسلام	شیخ صدوق	قاضی نعمان	استنباط علامه مجلسی
۵	دلائل الإمامة	محمد بن جریر طبری	محمد بن جریر بن رستم طبری	استناد به الفهرست طوسی
۶	الروضة فی المعجزات و الفضائل	شیخ صدوق	محدثی شیعه در حدود ۶۵۰	محتوا و سبک نگارش کتاب
۷	روضة الواعظین و تبصرة المتعظین	شیخ مفید	فتال نیشابوری	استناد به الفهرست منتجب الدین و اجازات علامه حلی و نظر ابن شهرآشوب
۸	عیون المعجزات	سید مرتضی	محدثی قدیمی تر از سید مرتضی	اسناد احادیث منقول در کتاب
۹	قرب الأسناد	محمد بن عبدالله حمیری	عبدالله حمیری	استنباط علامه مجلسی
۱۰	قصص الأنبیاء	قطب الدین راوندی	فضل الله بن علی راوندی	استناد به نظر ابن طاوس
۱۱	کتاب الرجال	حسین بن عبیدالله غضایری	احمد بن حسین بن عبیدالله غضایری	استناد به نظر عبدالله تستری
۱۲	کتاب کبیر فی الزیارات	نامعلوم	محمد بن مشهدی	استناد به نظر ابن طاوس
۱۳	کنز جامع الفوائد	شرف الدین استرآبادی	سیف بن علی بن منصور	نسخه های خطی قدیمی
۱۴	مصباح الأنوار فی مناقب امام الأبرار	شیخ طوسی	هاشم بن محمد	اسناد احادیث منقول در کتاب
۱۵	مکارم الأخلاق	فضل بن حسن طبرسی	حسن بن فضل طبرسی	تصریح فضل بن حسن در کتاب مشکاة الأنوار

۲- نقد و بررسی اِسناد کتاب‌ها

علامه مجلسی ناقل روایات کتاب‌های مختلف شیعه و سنی برای دائرة المعارف بزرگ خویش است. بنابر این، نگاه وی به اسناد روایات اهمیت ثانوی دارد و آن چه برای وی مهم است، مصادر است. به همین علت است که وی به نقد اسناد روایات نپرداخته و در فصل پنجم مقدمه بحارالانوار، فقط به نقل اسناد و طرق کتاب‌ها بسنده نموده و در مواردی خطبه مؤلف برخی از کتاب‌ها را بنا به ضرورت، بازتاب داده است.

نکته در خور توجه برای بحارپژوهان این است که علامه مجلسی در فصل پنجم، اسناد کتاب‌ها را در کلیت آن ذکر کرده و به صورت جزئی وارد اسناد روایان یعنی طرق روایات درون کتاب نشده است؛ برای نمونه، وی در بررسی اسناد کتاب‌های شیخ مفید می‌نویسد اسناد همه کتاب‌های وی به ابوجعفر بن کمیح و ابوالقاسم بن کمیح و از طریق آن‌ها به پدرشان کمیح و از طریق او به ابن براج و از طریق وی به شیخ طوسی می‌رسد (مجلسی، ٦٩/١).

بر این اساس روشن است که بحارپژوهان، حق نقد سندشناسانه روایات موجود در بحارالانوار را ندارند، زیرا اسناد روایات از علامه مجلسی نیست بلکه اسناد متعلق به صاحبان کتاب‌هایی است که برای تدوین بحارالانوار مورد استفاده وی قرار گرفته‌اند.

۱-۲- اسناد کتاب های منسوب به امامان شیعه

کتاب‌های منسوب به امامان شیعه همواره برای علما و جامعه شیعه از اهمیت خاصی برخوردار بوده و در شمار کتاب‌های ویژه محسوب می‌شده‌اند. علامه مجلسی درباره چنین کتاب‌هایی با احتیاط کامل اظهار نظر می‌کند و معمولا نظرات علمای کتاب‌شناس شیعه پیش از خود را ملاک قرار می‌دهد. او درباره کتاب التوحید مفضَّل بن عمر به ذکر همین بسنده کرده که سید بن طاوس در کشف المحجة در وصیتی پسرش را به خواندن کتاب التوحید مفضل بن عمر تشویق کرده، زیرا توسط خود امام صادق 7 به مفضل املا شده‌است (همو، ١٤/١). علامه مجلسی می‌نویسد سید بن طاوس در کتاب امان الأخطار، مؤلف کتاب مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة را امام صادق 7 دانسته است (همو، ۱۵/۱). او همچنین خاطرنشان می‌کند کتاب تفسیر امام عسکری 7 از کتاب‌های معروف است و با وجود انتقاداتی که برخی از علما بدان دارند، صدوق به آن اعتماد کرده است (همو، ۲۸/۱). با دقت در نوع توضیحات علامه مجلسی می‌توان دریافت هنگامی که وی فقط به عبارات علمایی که نظرشان را نقل کرده بسنده می‌کند و هیچ نکته‌ای را بر گفتار آنان نمی‌افزاید، در واقع رأی آنان را پذیرفته با آنان موافقت می‌کند. کتاب اهلیلجه به امام صادق 7 منسوب است و علامه مجلسی در یک مورد نادر برای صحت این انتساب، می‌نویسد برخی از علمای اهل‌سنت چنین انتسابی را پذیرفته‌اند. البته علامه مجلسی در این موضع‌گیری به نام هیچ عالمی اشاره نکرده است (همو، ۳۲/۱).

جایگاه ویژه کتاب‌های منسوب به امامان شیعه در نظر علامه مجلسی باعث شده است تا بررسی اسناد این کتاب‌ها برای وی اهمیت دوچندان یابد. انتساب کتاب صحیفة الرضا 7 به شخص امام رضا 7 سبب شده تا علامه مجلسی همه طرق اسناد این کتاب تا امام رضا 7 را در نسخه‌های کهن بجوید و بیابد؛ در حالی که اسناد این کتاب در آثار سید بن طاوس و نجاشی مذکور بوده است (همو، ۳۰/۱). علامه مجلسی، بر اساس کاوش سندشناسانه خویش کتاب صحیفة الرضا را مستقیما از امام رضا 7 نمی‌داند بلکه معتقد است این کتاب به ابوعلی طبرسی و از طریق او به امام رضا 7 می‌رسد (همو، ۱۱/۱). در مواردی که سند یک کتاب در کتاب های قدیم‌تر موجود بوده و نیاز به اثبات نداشته، علامه مجلسی به ارجاع به کتاب‌های پیشینیان اکتفا کرده است. نمونه آن کتاب طب الرضا 7 یا الرسالة الذهبیة است که مجلسی برای مشاهده اسناد آن، خوانندگان را به الفهرست منتجب الدین و معالم ابن شهرآشوب ارجاع داده است (همو، ۲۰/۱).

۲-۲- اسناد کتاب های معروف به اصول أربعمائه

به مجموعه ٤۰۰ کتاب حدیثی شیعه که در دوره حیات امامان شیعه تدوین شده‌اند اصول أربعمائه اطلاق می شود. عالمان شیعه بر اعتبار و صحت احادیث اصول أربعمائه به علت آن‌که بی واسطه از امامان شیعه نقل شده است تأکید کرده‌اند (بحرانی، ۱۷/۱). کتب اربعه شیعه بر پایه احادیث اصول أربعمائة اما با چینش ابوابی نوین تدوین شده‌اند. اصل زید نرسی و اصل زید زراد دو کتاب از اصول أربعمائه است که متن آن‌ها به صورت مستقل برجای مانده است (مدیرشانه چی، ۱۱۱). سند این دو کتاب مشخص و بی نیاز از شرح است اما با توجه به قدمتشان مجلسی درباره چگونگی استنساخ توضیح دقیقی داده است. او مدعی است این دو کتاب را از روی دست‌خط منصور بن حسن آبی نقل کرده که آبی نیز نسخه‌اش را از روی دستخط محمد بن حسن قمی به نگارش درآورده و تاریخ نسخه ۳۷٤ بوده است (مجلسی، ٤۳/۱).

۲-۳- اسناد کتاب های گمنام شیعی

علامه مجلسی درباره کتاب‌های مشهور یا کتاب‌هایی که نویسنده آنها مشخص است بحث سندشناسانه‌ای را طرح نکرده‌است و از همین رو ممکن است به نظر برسد بررسی سند کتاب‌ها و مصادر برای وی اهمیت نداشته‌است. مجلسی به دلیل شهرت و مقبولیت سند کتاب های مشهور شیعی به سند آنها اشاره ای نکرده‌است اما نسبت به روایات کتاب‌هایی که مؤلفان آنها نامعلوم‌اند احتیاط و وسواس بسیاری دارد. وی با اذعان به این که کتاب طب الأئمة از کتاب‌های مشهور است می‌نویسد چون مؤلف آن مجهول است اعتبار سایر کتاب‌ها را ندارد اما نقل کردن شمار کمی از روایات آن بی‌فایده نیست (همو، ۳۰/۱). اهمیت دادن به سند کتاب‌ها به میزان زیادی بر

داوری درباره روایات آن مؤثر بوده است و علامه مجلسی در برخی مواضع، نقدهای سندشناسی دیگران را در باب برخی کتاب‌ها بازتاب داده است. وی در بخش معرفی مصادر بحارالانوار پس از نام بردن از کتاب سلیم بن قیس توضیح داده است که این کتاب بسیار مشهور است و با وجود این که گروهی به آن انتقاد دارند از کتاب‌های معتبر است (همو، ۳۲/۱).

بدون تردید، سند کتاب و اسناد روایات برای علامه مجلسی امر خطیری است، به‌گونه‌ای‌که شدیدترین اعتراض‌های وی متوجه کاتبانی است که اسناد کتاب‌ها یا روایات را حذف کرده‌اند. وی دو نسخه قدیم از کتاب تفسیر عیاشی در اختیار داشته که کاتبان آنها برای مختصرشدن آن کتاب، اسنادش را حذف کرده و البته در ابتدای کتاب از این عمل خود پوزش طلبیده بودند. علامه مجلسی با اظهار تأسف برای چنین کاتبانی، چنین اقداماتی را عذر بدتر از گناه نامیده‌است (همو، ۲۸/۱). گویا حساسیت علامه مجلسی درباره سند کتاب های ادعیه کم‌تر است. وی درباره نویسنده کتاب العیون و المحاسن، معتقد است ازآنجا که موضوع این کتاب، دعاست، مجهول المؤلف بودن این کتاب چندان ضرورت سندشناسی ندارد و لطمه ای به محتوای آن وارد نمی‌کند (همو، ۳٤/۱).

۴-۲-نقد رجالی مؤلفان کتاب‌ها

با قاطعیت می‌توان گفت که علامه مجلسی جز چند مورد معدود که در ادامه به آنها اشاره خواهدشد از همه مؤلفان کتاب‌های شیعه به صورت مطلق به نیکی یاد کرده‌است. مؤلفان کتاب‌های رجالی برای معرفی میزان وثاقت راوی حدیث با توجه به شرایطی که وی برای نقل حدیث داشته است از اصطلاحات خاصی استفاده کرده‌اند (فضلی، ۱۱۲-۱۱۵). مجلسی از به‌کار بردن صفات مورد استفاده اهل رجال، هنگام توضیح دادن شخصیت نویسندگان کتاب‌ها پرهیز کرده‌است. مجلسی درباره مؤلف کتاب اثبات ایمان ابی طالب، بدون استفاده از اصطلاحات اهل رجال، می‌نویسد فخار بن معد موسوی از بزرگان محدثان ماست و طرق روایات او از شیعه و سنی است و در کتاب‌های مختلف راه یافته است (مجلسی، ۱۰۸/۳۵).

علامه مجلسی مورد اعتماد بودن فرد یا به اصطلاح اهل رجال، مدح راوی را به نظر متخصصان علم رجال و نویسندگان دوره‌های پیشین مستند نموده‌است. کتاب طب الأئمه از عبدالله بن بسطام زیّات و برادرش حسین بن بسطام است که علامه مجلسی در توثیق نکردن این دو با نجاشی هم‌نظر است (مجلسی، ۱۱/۱). علامه مجلسی درباره نصر بن مزاحم، صاحب کتاب صفین، نیز به نظر نجاشی استناد نموده است و وی را مستقیم الطریقة و صالح الأمر دانسته، جز در مواردی که از برخی ضعیفان روایت نقل کرده است (همو، ۳٦/۱). به‌نظر می‌رسد علامه مجلسی تمایل دارد در محور نقد بیرونی راوی یا نقد رجالی به دیدگاه‌های عالمان رجالی پیشین ارجاع دهد و از اظهار نظر مستقل

خودداری نماید. وی درباره فرات بن ابراهیم که صاحب یکی از کهن‌ترین و معروف‌ترین کتاب‌های تفسیر روایی شیعی است (حر عاملی، ۳۹٤/۹)، نظری بیان نمی‌کند، تنها به این دلیل که درباره این شخص، مدح یا قدحی در متون رجالی وارد نشده است (مجلسی، ۳۷/۱).

اختیار کردن بی‌طرفی در ارائه نظرات رجالی توسط علامه مجلسی در مواجهه با دیدگاه‌های بزرگان رجال پیش از خود در زمینه اصالت داشتن یا نداشتن دو کتاب زید زراد و زید نرسی کاملا نمایان است. شیخ طوسی در فهرست و رجال خویش اصل زید نرسی و زید زراد را موضوع یا جعلی دانسته و ابن غضایری این نظر شیخ طوسی را با استناد به گفته محمد بن ابی عمیر رد کرده‌است. علامه مجلسی در یک داوری بی‌طرفانه می‌نویسد گرچه عالمان رجال این دو شخص را توثیق نکرده‌اند اما در مقابل، محدثان بزرگی، نظیر شیخ صدوق در معانی الأخبار و سایر کتاب‌هایش، به این دو اعتماد کرده و از آنها حدیث نقل کرده‌اند. وی سپس به نسخه‌ای قدیمی از این دو کتاب به خط منصور بن حسن آبی اشاره می‌کند (همو، ٤۳/۱).

نتیجه

علامه مجلسی برای تدوین بحارالانوار از مصادر عمدتا شیعی بهره برده‌است. وی در مقدمه مجموعه حدیثی مزبور فصلی را به کتاب‌شناسی و نقد منابع مورد استفاده خویش اختصاص داده است. یکی از محورهای مهم در روش نقد منابع مجلسی، بررسی صحت انتساب کتاب‌ها به نویسندگان است و علامه مجلسی در موارد متعددی این انتساب‌ها را رد کرده‌است. او برای اظهار نظر درباره صحت انتساب کتاب‌ها به نویسندگان به چند شیوه متوسل شده است که مهم‌ترین آن ارجاع به کتاب‌های علمای پیش از خود به‌ویژه افرادی مانند سید بن طاوس است. سند روایت برای وی حالت ثانوی دارد و تمرکز وی بیش‌تر بر اصل منبع و نویسنده آن است. علامه مجلسی راویان روایات درون کتاب را نقد نمی‌کند، بلکه مؤلف کتاب و گرایش‌های او را مورد نقادی قرار می‌دهد. تردید در انتساب کتاب‌ها به بعضی مؤلفان با توجه به سندهای روایات آنها و داوری درباره مؤلفان حقیقی کتاب‌ها بر مبنای سبک و محتوای اخبار کتاب‌ها از شیوه‌های دیگر علامه در زمینه نقد منابع محسوب می‌شود. علامه مجلسی در برخی موارد به دلیل دارا بودن نسخه‌های قدیم از کتاب‌های مختلف، توانایی تعیین نویسنده واقعی را دارد. در زمینه جرح و تعدیل راوی که نقد رجالی محسوب می‌شود نگاه علامه به توصیف علمای رجالی کهن شیعه است و می توان وی را ناقل نظرها دانست. البته با وجود تبحر علامه مجلسی در زمینه کتاب‌شناسی، برخی خطاهای کتاب‌شناختی نیز در آراء وی راه یافته که از جمله آن‌ها انتساب کتاب معروف الإستغاثه ابوالقاسم کوفی به ابن میثم بحرانی است.

منابع

- آقا بزرگ تهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، بیروت، دار الأضواء، الطبعة الثالثة، ۱۴۰۳ق.
- أفندی، عبدالله، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، تحقیق سید احمد حسینی، قم، مکتبة آیة الله المرعشی، ۱۴۰۱ق.
- بحرانی، یوسف، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، تحقیق محمدتقی ایروانی، بیروت، دارالأضواء، ۱۴۰۵ق.
- علی، جواد، «موارد تاریخ المسعودی»، سومر، الجزء ۱و۲، ١٩٦٤م.
- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، قم، آل البیت، ۱۴۱۴ق.
- ربانی، محمدحسن، دانش رجال الحدیث، مشهد، به نشر، ۱۳۸۱ش.
- طارمی، حسن، علامه مجلسی، تهران، طرح نو، ۱۳۷۵ش.
- فضلی، عبدالهادی، اصول حدیث، ترجمه محمدمهدی حقی و ابراهیم اقبال، تهران، چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۸ش.
- کلبرگ، اتان، کتابخانه ابن طاوس و احوال و آثار او، ترجمه علی قرایی و رسول جعفریان، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۳۷۱ش.
- اللجنة العلمیة فی مؤسسة الإمام الصادق(ع)، موسوعة طبقات الفقها، إشراف جعفر السبحانی، قم، اعتماد، الطبعة الاولی، ١٤١٩ق.
- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الأطهار، بیروت، دار إحیاء التراث العربی، الطبعة الثالثة، ۱۴۰۳ق.
- المدید السویکت، سلیمان بن عبدالله، منهج المسعودی فی کتابة التاریخ، بی جا، بی نا، الطبعة الاولی، ١٤٠٧ق.
- مدیرشانه چی، کاظم، تاریخ حدیث، تهران، سمت، ۱۳۸۹ش.
- منتجب الدین رازی، علی بن عبیدالله، الفهرست، تصحیح جلال الدین محدث ارموی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۲۲ق.
- نوری، محمد، «اولین فهرست نگاری‌های شیعه»، فصل نامه کتاب های اسلامی، ش۸، ۱۳۸۱ش.
- نوری طبرسی، حسین، الفیض القدسی فی ترجمة العلامة المجلسی، مندرج در جلد ۱۰۲ بحارالانوار، بیروت، دار إحیاء التراث العربی، الطبعة الثالثة، ۱۴۰۳ق.